

آرزو قبل از فرار به ترکیه بازداشت شد

مرگ پسر بچه با شکنجه‌های نامادری



گروه حوادث: پسرک وقتی با نامادری تنها شد وحشت به چشمانش نشست مدت ها می شد دستان نواز شگرگر مادر موهایش را شانه نکرده بود.

آرزو باز سراغ ژویون کوچولو رفت وقتی دندان‌های زن خشن روی بدن نحیف پسرک نشست او ناله کنان مادرش را صدای زدن نامادری که دیگر تنها کسی را برایش کابوس کرده شنب ها برایش لالایی نمی خواند مادری که دیگر آغوش گرمی برای پسرک نداشت و نامادری ثانیه‌های تنهایی را برایش کابوس کرده کرده بود.

وقتی ناله‌های پسرک خاموش شد نامادری هنوز بر تن نیمه جان او ضرب می زد و ...

اینجا گورستان است و همه از سر نوشت در نناک ژویون کوچولو غمگانه ناله لالایی سر داده اند پدر سیاهپوش شرمسار پسرک نمکین‌اش است که دیگر خنده‌هایش حتی گریه‌هایش را نخواهد دید اینجا ...

تلخ ترین تراژدی
عقربه ها ساعت ۱۱ شامگاه چهارشنبه ۱۷ مرداد ماه امسال را نشان می داد که پسر بچه ۵ ساله به نام ژویون که در شکنجه‌های هولناک مادرش روی تخت بیمارستان تحت نظر بود به کام مرگ فرورفت.

ماجرای مرگ تلخ پسر کوچولو کافی بود تا تیمی از ماموران پلیس مهاباد برای تحقیقات پلیسی وارد عمل شوند و در همان تجسس‌های ابتدایی مشخص شد که نامادری ژویون قصد فرار به ترکیه را دارد که خیلی زود این زن دستگیر شد.

آرزو ۳۲ ساله پس از دستگیری به شکنجه‌های هولناک ژویون اعتراف کرد و به زندان مهاباد منتقل شد.

طلاق پدر و مادر ژویون
محمد امین ۲۸ ساله ۴ سال قبل در حالیکه پسرش یک سال داشت به خاطر اختلافاتی که با هم داشتند از هم جدا شدند و ژویون همراه پدرش به خانه پدر و مادر بزرگش رفت.

پسر کوچولو در خانه پدر بزرگش بزرگ شد و این در حالی بود که هیچ احساسی نسبت به واژه مادر نداشت و همیشه در کنار خانواده پدری‌اش بود.

ژویون با شیطنت‌های بچه‌گانه‌اش در منطقه‌ای که زندگی می کرد محبوب شده بود و همه این پسر بچه بازی گوش را دوست داشتند تا اینکه خبر رسید پدر ژویون عاشق شده است.

از دواج با آرزو
آذر ماه سال گذشته بود که خانواده محمد امین متوجه شدند که پسرشان دلپاخته زن جوانی شده است که در یکی از روستاهای اطراف

بوکان زندگی می کند. خانواده محمد امین تحقیقات محلی را شروع کردند و مشخص شد که آرزو ۳۲ ساله نیز بخاطر اختلاف با همسرش طلاق گرفته است.

پدر و مادر محمد امین که متوجه علاقه پسرشان و دختر ۲۲ ساله شده بودند برای کمک به آنها برای محمد امین یک خودروی تاکسی خریدند و یک خانه برای آنها اجاره کردند که زندگی شان را با آرامش شروع کنند.

محمد امین و آرزو با هم ازدواج کردند و بسا اصرارهای خودشان تصمیم گرفتند در همان خانه پدری زندگی کنند.

زوج جوان زندگی شان را با شادی شروع کردند و آرزو پس از مدتی از محمد امین خواست تا برای دیدن برادرش به کشور ترکیه سفر کنند که در این مرحله پدر و مادر تازه داماد همه هزینه‌های سفر را تهیه کردند و نورو را همراه پسرشان به ترکیه فرستادند.

جدایی از خانواده
زوج جوان پس از سفر به ترکیه وقتی به بوکان بازگشتند نورو ادعا کرد که می خواهد به خانه عمویش برود و چند روزی را در کنار او باشد.

محمد امین همراه همسرش از خانه پدری خارج شد و به خانه عموی آرزو رفتند اما پس از چند

روز محمد امین در تماس با خانواده اش گفت که تصمیم گرفته اند جدا از آنها زندگی کنند و یک خانه اجاره کرده اند.

تهدید به خودکشی
چند روز از ماجرای جدایی محمد امین از خانواده اش می گذشت و این در حالی بود که ژویون در کنار پدر و مادر بزرگش زندگی می کرد تا اینکه محمد امین به خانه پدری اش بازگشت و خواست تا ژویون را همراه خودش ببرد.

پسر جوان عنوان کرد که آرزو اصرار دارد که ژویون را به خانه خودمان ببرم تا در کنار ما باشد و آرزو تهدید کرده اگر این کار را نکنم دست به خودکشی می زند.

پسر ۵ ساله به خانه پدر و نامادری اش رفت و محمد امین که گرفتار حرفهای همسر دومش شده بود از خانواده اش جدا شد و دیگر هیچ رابطه‌ای بین آنها وجود نداشت و پدر و مادر محمد امین که فکر می کردند پسرشان در آرامش زندگی می کنند دیگر به آنها پنهان‌گیری نکردند چون تنها دغدغه آنها خوشبختی پسرشان بود اما دل‌تنگی ژویون برای آنها سخت بود.

۳ ماه زندگی مشترک
محمد امین و آرزو ۳ ماه در یک خانه با هم زندگی می کردند تا اینکه عصر روز حادثه تلخ زندگی پسر ۵

ساله، آرزو با شوهرش تماس گرفت و خواست تا محمد امین که با تاکسی مسافر کشی می کند به خانه بازگردد تا او چند زن همسایه را به پارک شهر ببرد. پدر ژویون به خانه بازگشت و زنان همسایه را به پارک برد و پس از چند ساعت آنها را به خانه بازگرداند. ژویون و نامادری اش به خانه رفتند و محمد امین در حال قفل کردن در خودرو بود که به خانه برود که ناگهان یکی از زنان همسایه به سراغ محمد امین رفت و عنوان کرد که کلید خانه اش را در پارک جا گذاشته است به همین خاطر محمد امین و زن همسایه به پارک بازگشتند.

شکنجه‌های نامادری
محمد امین وقتی به خانه بازگشت در برابر صحنه عجیبی قرار گرفت. آرزو پسر بچه ۵ ساله را به باد کتک گرفته بود و محمد امین با ورود به خانه با داد و فریاد می خواهد که آرزو دست از تنبیه فرزندش بردارد.

پدر عصبانی که طاقت دیدن این صحنه را نداشت به آرزو می گوید که اگر با ژویون مشکلی دارد او را به خانه پدرش با می گرداند تا پسرش در آرامش باشد.

آرزو که با شنیدن این جمله شوکه شده بود با نقش پرزادی ادعا می کند که ژویون را همچون فرزند خودش می داند و دوستش دارد و مانع بردن پسر کوچولو به خانه پدر بزرگش می شود.

شکنجه‌های هولناک
محمد امین که بسا دیدن تنبیه پسرش از سوی نامادری اش عصبانی بود از خانه خارج می شود و سوار بر خودرویش در شهر مسافر کشی می کند تا اینکه به خانه بازمی آید.

هوای تاریک شده بود، محمد امین هر چه زنگ خانه را به صدا در آورد پاسخی نشنید، نگران بود و نمی دانست چه اتفاقی افتاده است و بی قرار بود تا اینکه پس از ۲۰ دقیقه آرزو در خانه را باز کرد و با چهره ای هراسان و آشفته به محمد امین گفت که ژویون تشنج کرده است.

پدر نگران همراه همسرش به سرعت وارد خانه شد و دید ژویون در حالیکه برهنه است داخل حمام زیر دوش آب یخ خوابیده و جویایی به فریادهای او نمی دهد.

محمد امین پسر را در آغوش گرفته و به سرعت خود را به بیمارستان شهر می رساند و آثار گاز گرفتن روی بدن ژویون نگاه‌ها را به سمت آرزو می برد که او دست به شکنجه پسر کوچولو زده است.

تهدید برای سکوت
در حالیکه ژویون روی تخت بیمارستان قرار داشت آرزو از محمد امین می خواست تا او را به ترکیه بفرستد و در غیر این صورت دست به خودکشی می زند.

محمد امین که به همسرش مظنون شده بود از آرزو خواست تا تنها حقیقت را بگوید که زن جوان در ادامه سکوت را شکست و به شوهرش گفت که ژویون را کتک زده است و خواست تا این اتفاق برای آنها به عنوان یک راز پنهان بماند.

این تهدید و درخواست‌های زن سنگدل در حالی بود که خانواده آرزو نیز با اطلاع از این ماجرا، محمد امین را تحت فشار قرار دادند تا درباره اتفاقات شب حادثه سکوت نکند و به پلیس و خانواده اش حرفی نزند.

فرار به ترکیه
ژویون چند روز تحت نظر پزشکان قرار داشت و برای بررسی‌های بیشتر به بیمارستان مهاباد منتقل شد تا اینکه پزشکان مرگ مغزی او را اعلام کردند. آرزو وقتی شنید پسر کوچولو مرگ مغزی شده است تصمیم گرفت از مهاباد فرار کند و به ترکیه سفر کند اما قبل از فرار ماموران متوجه تصمیم این زن شکنجه گر شدند و در عملیات غافلگیرانه نامادری ژویون دستگیر شد.

این در حالی بود که ژویون ساعت ۱۱ شامگاه ۱۷ مرداد ماه روی تخت بیمارستان به کام مرگ فرورفت و زندگی اش پایان گرفت.

حرف‌های شنیدنی
عموی ژویون
برادر محمد امین به خبرنگار ما گفت: آرزو، برادر ام را خام خودش کرده بود و به دروغ گفته بود که شوهر اولش دو جنسه بوده و به خاطر همین از او طلاق گرفته است.

عموی ژویون افزود: احتمال می دهم که آرزو به خاطر وضعیت مالی خوب خانواده مان قصد داشته تا با مرگ ژویون ثروت خانواده مان را برای خودش کند چون یک روز قبل از مرگ ژویون، برادرم متوجه شد که همسرش حامله است.

وداع با ژویون کوچولو
صبح روز سه شنبه ۲۳ مرداد ماه امسال پیکر ژویون کوچولو در بوکان تشییع شد و این در حالی بود که اهالی شهر خواستار اشد مجازات برای نامادری شکنجه گر بودند.

بنا به این گزارش، آرزو به دستور باز پرس پرونده به زندان مهاباد منتقل شده و پرونده در دادسرای بوکان در حال رسیدگی است.

اخبار حوادث

سرباز مرزبانی

پس از ۱۵ ماه اسارت آزاد شد

فرمانده مرزبانی کشور از بازگشت «سعید براتی» سرباز گروگان گرفته شده توسط اشرار در عملیات تروریستی اردیبهشت ماه ۹۶ در میر جاده، خبر داد. سردار قاسم رضایی با اعلام این خبر اظهار داشت: با تلاش و حمایت فرماندهی محترم نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران، ستاد کل نیروهای مسلح و دستگاه‌های امنیتی، «سعید براتی» سرباز گروگان گرفته شده توسط اشرار در عملیات تروریستی اردیبهشت ماه ۹۶ در میر جاده، به آغوش خانواده بازگشت.

دستگیری قاتل

پس از ۳۰ دقیقه فرار

فرمانده انتظامی شهرستان کوهرنگ از کشته شدن جوان ۳۸ ساله، دستگیری قاتل در کمتر از نیم ساعت خبر داد. سرگرد امیر انتظامی نیا گفت: در پی اعلام خبری از مرکز فوریت‌های پلیس ۱۱۰ مبنی بر قتل جوان ۳۸ ساله در این شهرستان، موضوع در دستور کار مأموران کلانتری مرکزی شهرستان کوهرنگ قرار گرفت.

وی گفت: بلافاصله مأموران در محل حادثه حضور و پس از انجام اقدامات اولیه مشخص شد که جوان ۳۸ ساله با ضربات چاقو به قتل رسیده است. فرمانده انتظامی شهرستان کوهرنگ ادامه داد: بلافاصله تیمی ویژه متشکل از مأموران پلیس آگاهی و عوامل انتظامی برای دستگیری قاتل و انجام تحقیقات بیشتر به محل اعزام شدند.

انتظامی نیا با اشاره به دستگیری قاتل در کمتر از نیم ساعت تصریح کرد: در تحقیقات تخصصی به عمل آمده متهم به قتل پس از ارائه مدارک و مستندات موجود به جرم خود اعتراف و پس از تشکیل پرونده برای طی کردن مراحل قانونی تحویل مراجع قضایی شد.

غرق شدن دختر ۱۴ ساله

در عمق ۵ متری سد نسا

عملیات جستجو دختر ۱۴ ساله که در عمق پنج متری سد نسا غرق شده بود، توسط نجاتگران بهی در استان کرمان پایان یافت.

محمد حیدری پور، معاون امور امداد و نجات جمعیت هلال احمر استان کرمان از اعزام نیروهای امدادی جهت جستجوی دختر نوجوان غرق شده در سد نسا، شهرستان بم خبر داد.

وی افزود: عصر سه شنبه ۲۳ مرداد تماس تلفنی در خصوص غرق شدن دختر نوجوان ۱۴ ساله در سد نسا، بم، بلافاصله دو تیم امدادی از شهرستان بم به محل وقوع حادثه اعزام شدند. حیدری پور کر در نجاتگران بهی پس از ۳ ساعت تلاش مداوم در عمق ۱۰۰ متری سد نسا، جسد تریالماس زاده را به خانواده اش تحویل داده اند.

تولد نوزاد عجول

در خودروی ال ۹۰

تکنسین موتور لانس اورژانس تهران نوزاد عجول را در ال ۹۰ به دنیا آورد.

پیمان صابریان رییس اورژانس تهران گفت: ساعت ۲۱:۵۰ دقیقه شامگاه سه شنبه ۲۳ مرداد ۹۷ سال جاری مامورینی با عنوان خانم ۴۰ ساله باردار با درد شدید شکمی در خودروی ال ۹۰ حوالی میدان فردوسی به اورژانس ۱۱۵ تهران گزارش داده شد که با توجه به ترافیک سنگین در آن ساعت اورژانس تهران بلافاصله یک دستگاه موتور لانس به محل اعزام کرد.

وی افزود: تکنسین موتور لانس در عرض کمتر از ۱۰ دقیقه به محل مورد نظر می رسد که با مادری بارداری روبرو می شود که در حال زایمان زودرس است؛ وی درخواست آمبولانس می کند و با سرعت عمل بالا مادر باردار را در خودرو زایمان می کند که خوشبختانه حال مادر و نوزاد خوب گزارش شده است.

ترور مامور پلیس روانسر

مقابل خانه اش

گروهک تروریستی عقاب زاگرس یکی از مأموران ناجا را در روانسر ترور کرد. حسین و یسمرادی اظهار داشت: عصر سه شنبه گذشته عوامل ناشناس با امر اجعه به در خانه یکی از نیروهای ناجا و بعد از اینکه این فرد را از خانه بیرون کشیدند، وی را به شهادت رساندند.

وی افزود: این فرد یک سرگرد راهنمایی و رانندگی بوده و ضارب وی نیز متواری شده است. فرماندار روانسر در مورد جزئیات بیشتر این حادثه نیز گفت: جزئیات بیشتر در دست بررسی است و متعاقباً اعلام می شود.

گروهک تروریستی عقاب‌های زاگرس مسئولیت این ترور را نیز به عهده گرفته است.



سیلی به صورت تم زد، او حتی یک ضربه هم با چاقو به سرم زد. من هم که کنترل اعصابم را از دست داده بودم چاقو را از دستش گرفتم. کامران پایه فرار گذاشت و من در حال فرار یک ضربه به گردن او زدم، ولسی واقعا قصد کشتن او را نداشتم.

پس در ادامه جلسه سه نفر از شرکت کنندگان در درگیری که همگی با وثیقه آزاد بودند به اتهام شرکت در نزاع دسته جمعی

خبر

قضات دیوان باید کردند

شمارش معکوس برای اعدام عامل جنایت خونین

در دادگاه

میثم به درگیری خونین اعتراف کرد و در شعبه نهم دادگاه کیفری یک استان تهران در حالی پای میز محاکمه ایستاد که اولیای دم برای وی حکم قصاص خواستند.

وقتی میثم در جایگاه ویژه ایستاد گفت: من و دوستانم در خیابان ایستاده بودیم. همان موقع کامران سوار بر موتور با سرعت زیاد از کنار ما عبور کرد. سرعت او به حدی بود که دو زن که در حال عبور از خیابان بودند به شدت ترسیدند و عقب رفتند. ما به خاطر سرعت بالا به او اعتراض کردیم و او بی اعتنا به ما رد شد. چند دقیقه بعد دوباره کامران در حالی که یکی از دوستانش ترک موتور او نشسته بود بار دیگر از کنار ما با سرعت زیاد عبور کرد. وقتی این بار با او به او اعتراض کردیم از موتور پیاده شد. او با مادر گیر شد و به رویمان چاقو کشید. من از او خواستم آرام باشد ولی با

جنایت پسر ۳۲ ساله‌ای به نام میثم بوده است. تلاش برای ردیابی میثم آغاز شد اما وی به مکان نامعلومی گریخته بود.

در ادامه تحقیقات یکی از دوستان کامران به مأموران گفت: من و چند نفر از دوستانم در پارک بودیم و صحبت می کردیم. یکی از دوستانمان می خواست به خانه پدرزنش برود. به همین خاطر کامران گفت که او را با موتور به خانه پدرزنش می رساند. آنها با هم سوار موتور شدند و رفتند ولی هنوز زیاد از ما دور نشده بودند که متوجه درگیری آنها با چند پسر جوان شدیم. وقتی به محل درگیری رسیدیم دیدیم کامران از ناحیه گردن چاقو خورده است. شاهدان می گویند میثم با چاقو به وی حمله کرده است.

دستگیری قاتل

با تکمیل تحقیقات، پلیس به ردیابی میثم پرداخت و چهار روز بعد وی را بازداشت شد.

گروه حوادث: حکم قصاص پسر جوان که در درگیری خیابانی دست به جنایت زده بود دیروز در دیوان عالی کشور مهر تایید خورد.

یا این اقدام قضایی جوان جنایتکار در یک قدمی چوبه دار قرار گرفت.

صحنه خونین
شامگاه چهارم بهمن ماه سال ۹۴ وقوع درگیری خونین در خیابان دیلمان شمالی در دستور کار مأموران کلانتری ۱۳۱ شهری قرار گرفت. مأموران بلافاصله به محل درگیری رفتند و دریافتند پسر ۲۲ ساله به نام کامران که از ناحیه گردن زخمی شده بود به بیمارستان هفتم تیر منتقل شده است. وی تحت درمان قرار گرفت اما صبح روز بعد به خاطر شدت خونریزی جان سپرد.

قاتل کیست؟
پلیس به تحقیق پرداخت و در یافت عامل